

مبانی فقهی نفقه و هزینه دارو و درمان^۱

دکتر مریم ابن تراب

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

برخورداری از سلامت جسمانی، در شمار خواسته‌های بحق هر انسان و از نعمت‌های خداوند متعال است. اما هر فرد در طول حیات خویش دچار بیماری‌هایی می‌شود، که نیاز به پزشک و دارو پیدا می‌کند. گرچه در جهان کنونی هزینه دارو و درمان در بسیاری از کشورها از هزینه‌های عمومی محسوب می‌شود، اما هنوز در کشور ما، همه یا بخشی از این هزینه‌ها به عهده اشخاص است.

امروزه هزینه دارو و درمان افزایش چشمگیری یافته است و به ویژه با پیشرفت علم و به بازار آمدن دستگاه‌هایی که به تشخیص بیماری‌ها کمک شایانی می‌کند، این هزینه‌ها رو به افزایش نیز هست.

در حقوق اسلامی پرداخت هزینه زندگی بعضی افراد بر عهده بعضی دیگر قرار داده شده است که از آن به نفقه تعبیر می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخ دادن به این پرسش است که از نظر فقه اسلامی هزینه دارو و درمان جزو نفقه محسوب می‌شود یا خیر؟

بدین منظور، نویسنده به بازبینی و دوباره خوانی ادله فقهی پرداخته و با توجه ویژه به عرف که یکی از مهم‌ترین دلایل استنباط احکام در امور اجتماعی است، به پرسش مزبور پاسخ داده است.

واژگان کلیدی

حقوق اسلامی، فقه، عرف، نفقه، دارو و درمان

۱- پذیرش مقاله: ۸۷/۳/۱۲؛ ارزیابی: ۸۷/۴/۱

امید به زندگی، بالا بردن متوسط سن افراد و بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی از مسائل قابل تأمل در جوامع امروزی است. از سوی دیگر، رشد هزینه دارو و درمان یکی از چالش‌های مهم افراد در اجتماعات کنونی است؛ به طوری که دولت‌ها با به‌کارگیری اهرم‌های پیش‌گیرانه، و با تحمل هزینه‌های سنگین، درصدد مبارزه با آن برآمده، به دنبال راهکارهای مناسب برای پیشگیری از بیماری‌ها هستند. بدین منظور اقدامات خود را از مقاطع پیش از تولد و پس از آن در سطح مهد کودک‌ها و آموزشگاه‌ها آغاز کرده‌اند.

در این راستا، فرهنگ‌سازی برای عادت‌های سالم در زندگی، نهادینه ساختن و همگانی نمودن بیمه‌های درمانی، و بسیاری موارد دیگر در دستور کار بسیاری از دولت‌هاست.

امروزه هزینه تشخیص و درمان بیماری‌ها به گونه‌ای است که دخالت دولت در آن لازم و ضروری است و نقش نهادهایی همچون بیمه را به هیچ روی نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما در جوامعی چون جامعه ما، که در مورد این هزینه‌ها نمی‌توان به طور کامل متکی به ارگان‌های دولتی بود، پرداخت لااقل بخشی از این هزینه‌ها بر عهده آحاد افراد است. از آنجا که زنان پس از ازدواج مسئول پرداخت هزینه زندگی خود نیستند و نفقه ایشان از وظایف همسر است، و از آن روی که شوهران می‌توانند در نحوه کسب درآمد همسران دخالت نمایند و در شرایطی ایشان را از اشتغال در خارج از منزل منع کنند، این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی مسئول پرداخت هزینه دارو و درمان زنان خواهد بود؟

پرسش اینجاست که آیا مخارج دارو و درمان نیز جزو نفقه است؟ و مرد ملزم به پرداخت آن است؟ یا آنکه مرد تنها عهده‌دار تأمین خوراک، پوشاک و مسکن همسر خود است؟

هزینه دارو و درمان کودکان و افراد سالمندی هم که قدرت کسب درآمد نداشته باشند، مشمول همین پرسش هستند؛ زیرا ایشان نیز از افراد واجب‌النفقة به حساب می‌آیند.

برای پاسخ به این پرسش به بررسی دلیل‌های فقهی و برداشت فقهای عظام از ادله نفقه می‌پردازیم. نخست باید ماهیت نفقه از جهت کیفی و کمی روشن شود تا این نتیجه بدست آید که هزینه دارو و درمان داخل در آن است یا خیر؟ و اگر داخل آن است، آیا حدودی برای آن وجود دارد؟

نفقه در لغت و اصطلاح

اهل لغت واژه نفقه را به صورت اسم به کار می‌برند برای مالی که انسان برای خود و عیالش خرج می‌کند (ابن منظور، ۱۴۰۸ هـ ج ۱۴، ص ۲۴۳). در قرآن کریم انفاق و نفقه به معنای اعطا به کار رفته است (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۲۰۷).

در اصطلاح فقه، نفقه عبارت است از تأمین هزینه زندگی کسی، آن گونه که عادتاً بدان نیازمند است؛ اعم از خوراک و پوشاک و مسکن، و سایر نیازمندی‌های زندگی (فیض، ۱۳۸۲، ص ۳۹۰).

نفقه در اصطلاح حقوق مدنی عبارت است از صرف هزینه خوراک و پوشاک و اثاث خانه و جامه به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق‌کننده (در مورد نفقه اقارب) و خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و خادم در حدود مناسبت عرفی با وضع زوجه (در مورد نفقه زوجه) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۷۱۸).

در حقوق اسلامی پرداخت هزینه زندگی همسر دائمی و در مواردی زن مطلقه بر عهده شوهر و مطلق است (الطی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۶۸). همچنین هزینه زندگی پدر و مادر نادر و ناتوان از کسب به عهده فرزندان (همو، ص ۵۷۳) و تأمین مخارج زندگی فرزندان تا سن رشد به عهده پدر و مادر است (همو، ص ۵۷۴). البته در صورت توان مالی نفقه‌دهنده بر پرداخت هزینه زندگی خود و همسرش. بحث در مورد ماهیت و کم و کیف نفقه در کتب فقهی بیشتر درباره نفقه همسر مطرح است؛ اما نتیجه بدست آمده در مورد نفقه دیگر افراد واجب‌النفقه نیز جریان دارد؛ البته نفقه همسر دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از:

- ۱- نفقه همسر بر نفقه سایر خویشاوندان مقدم است (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۶۵).
- ۲- اگر نفقه همسر به هر علتی غیر از نشوز پرداخت نشود، به صورت دین بر ذمه مرد باقی می‌ماند. مگر آنکه همسر آن را ببخشد (موسوی خویی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۲۹۰)؛ اما نفقه اقارب اگر چه از سر تقصیر داده نشود قضا ندارد (همو).
- ۳- اگر مردی در حالی که ثروتمند است از دادن نفقه همسرش امتناع کند، زن حق دارد به قدر کفایت و به نحو متعارف از مال مرد به عنوان تقاص بردارد (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۷۷).
- ۴- فقر و ناداری مرد، خواه در هنگام عقد بوده یا پس از آن به وجود آمده باشد، موجب سقوط حق نفقه زوجه نمی‌شود (موسوی خویی، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۲۸۸). تفاوت دیگری که در مورد نفقه زن و اقارب مطرح است، آن است که از نظر کمیت، نفقه زن باید مایحتاج زن را برآورده کند و نفقه اقارب می‌تواند به مقدار کفایت برای مخارج افراد واجب‌النفقة باشد (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۷۶)؛ به عنوان مثال، اگر خویشاوند به یک وعده غذا احتیاج داشته باشد، بیش از آن بر نفقه‌دهنده واجب نیست، در حالی که در مورد زن چنین نیست؛ چنان که گفته شده مرد متمکن باید به فراخور شأن و دارایی‌اش، وسعت و رفاه برای همسرش ایجاد کند و این مطلب دلالت دارد بر اینکه کسی که متمکن و مرفه است، اخلاقاً باید در حد امکان به گونه‌ای عمل کند که زن در رفاه باشد (گرجی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

نفقه از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی هستند که فقها، وجوب نفقه را از آنها استنباط کرده‌اند، این آیات عبارتند از:

- ۱- «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» (طلاق، ۷). این آیه در مورد وظایف مرد در قبال زن مطلقه است و می‌فرماید مردان توانگر وقتی همسر بچه‌دار خود را طلاق می‌دهند، باید در ایام عده و ایام شیرخواری کودکان به

زندگی زن مطلقه و کودک خود توسعه دهند و کسی که فقیر و در تنگناست و نمی‌تواند به زندگی همسر طلاق داده و کودک شیرخوارش توسعه دهد، هر قدر که می‌تواند از مالی که خدای تعالی به او عطا کرده به ایشان انفاق کند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۲۸۴). در این آیه کیفیت نفقه بیان نشده و تنها وجوب پرداخت نفقه بر حسب توان مالی مرد ذکر شده است.

۲- «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۳۳). بنابراین آیه، پدر کودک عهده‌دار تأمین خوراک و پوشاک همسران مطابق عرف می‌باشد، یعنی متعارف از حال چنین شوهر و چنین زنی (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۲).

واژه رزق در لغت به معنای هر آن چیزی است که از آن سود برند و منتفع شوند. رزق به معنای عطا نیز هست (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ هـ ج ۵، ص ۲۰۴) و گفته شده رزق به معنای روزی، نعمت، باران، جیره و معاش آمده است (مسعود، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۴). بنابراین، رزق به معنای عطای جاری است که ممکن است دنیوی یا اخروی باشد، و می‌توان گفت انعام ویژه‌ای است به مقتضای موقعیت طرف مقابل و مطابق نیاز او برای تداوم زندگی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۱۵). پس رزق معنایی گسترده‌تر از خوراک دارد.

واژه معروف نیز هم چون عرف به معنای کارهای نیکوست در مقابل «نکر»، و عبارت است از هر چه که نفس آن را خیر بشناسد و به آن اطمینان یابد. بنابراین، عرف اسمی است جامع برای هر چه که طاعت و وسیله تقرب به خداوند شناخته شده و نیکی به مردم است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ هـ ج ۹، ص ۱۵۵).

پس عرف به معنای معروف است و به این دلیل معروف نامیده شده که به سبب آن اطمینان و آرامش حاصل می‌شود. معروف در تمام موارد خیر و صلاح و فلاح، کار نیک، و واجب و زیبا به کار می‌رود. پس «امساک بالمعروف» و «کسوتهن بالمعروف» و «فلیاکل بالمعروف» و «قول معروف» و «عاشروهن بالمعروف» و «آتوهن اجورهن بالمعروف» و «فارقوهن بالمعروف» همه به این معنا هستند. بنابراین معروف دارای یک

مفهوم کلی است که بر همه موارد ذکر شده منطبق می‌شود و ویژگی‌های آن به تناسب موارد مختلف، متفاوت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۶).

لذا در آیه شریفه مورد بحث خوراک و پوشاک به عنوان اقسام نفقه ذکر شده‌اند، و کمیت آن بر عهده عرف گذاشته شده است.

۳- *أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلًا فَلْيُنْقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ*؛ «زنانی را که در عده طلاق رجعی هستند، در همان منزل خویش که برای شما میسر است اسکان دهید، و به ایشان آزار نرسانید تا در مضیقه و رنج بیفکنید، و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا زمان وضع حمل نفقه دهید» (طلاق، ۵).
در این آیه شریفه نیز به مسکن اشاره شده و موارد دیگر ذکر نشده است، و نیز تأکید شده که در پرداخت نفقه، نباید زن دچار ضرر و ناراحتی شود.

۴- *الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْتَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...*؛ «مردان سرپرست زنان هستند بخاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند» (نساء، ۳۴).
در این آیه هم در مورد کیفیت و یا کمیت نفقه بیانی وجود ندارد.

۵- *عاشروهنَّ بِالْمَعْرُوفِ*؛ (همو، ۲۴). در این آیه به مردان امر می‌شود که با زنان معاشرت نیکو و پسندیده و مطابق عرف داشته باشند که این مسأله شامل پرداخت نفقه نیز می‌شود، صاحب جواهر(ره) این آیه را از دلایل‌های وجوب نفقه بر مرد ذکر کرده است (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۰۲).

آیات دیگری هم که به مردان توصیه می‌کنند زنان را به نیکویی نگه دارند (بقره، ۲۳۱؛ طلاق، ۲)، از دیدگاه بعضی فقها، دلالت ضمنی بر وجوب نفقه دارند.

با توجه به آیات ذکر شده، خوراک، پوشاک و مسکن از اقسام نفقه ذکر شده‌اند، و کمیت آنها در بعضی آیات بر اساس موقعیت مالی مرد و بر اساس بعضی دیگر از آیات مطابق نظر عرف است. پرسش اینجاست که آیا نفقه به همین سه مورد محدود می‌شود، و هزینه دارو و درمان را در برنمی‌گیرد؟ یا این موارد به عنوان موارد غالب و مورد نیاز افراد ذکر شده است؟

به نظر می‌رسد جمله «عاشروهن بالمعروف» را می‌توان در مقام بیان آیات دیگر دانست که به طور کلی وظیفه مردان را در برابر همسران در تمام موارد بیان می‌کند که از جمله آن، پرداخت نفقه است که باید به نیکویی صورت گیرد، از جهت کیفیت و کمیت و از جهت نحوه پرداخت. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه پسندیده و نیکوست، در زمره نفقه قرار می‌گیرد؛ به ویژه جمله «لائضاروهن» که مردان را از ضرر رساندن به زنان نهی می‌کند، بیانگر آن است که همه مایحتاج زن که عدم آن، موجب ضرر زن خواهد بود، از نفقه است، که البته از مهم‌ترین آنها، هزینه‌های دارو و درمان خواهد بود.

نفقه از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام

در کتاب *وسایل الشیعه*، ۳۱ باب در مورد نفقات وجود دارد (*الحرالعالمی*، ۱۳۶۷، ص ۲۲۳-۲۶۵) که ابوابی از آن به موضوع مورد بحث مربوط می‌شود. یکی از احادیث تنها به وجوب نفقه اشاره دارد بدون آنکه موارد و میزان آن را مشخص نماید. از حضرت امام رضا علیه‌السلام در مورد منظور آیه شریف «فامساک بمعروف او تسریح باحسان» (بقره، ۲۲۹) سؤال شد، ایشان فرمودند: «امساک بمعروف» آزار نرساندن به همسر و پرداخت نفقه است. حضرت در مورد نفقه، از واژه «احباء» استفاده کرده‌اند که معنای عطیه و بخشش می‌دهد (*الحرالعالمی*، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۲۶). در احادیث دیگری از حضرت امام صادق و امام باقر علیهما‌السلام نفقه به عنوان خوراک و پوشاک ذکر شده، و از مواردی مثل هزینه دارو و درمان نام برده نشده است. چنان که حضرت امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «یشبع بطنها و یکسو جنتها وان جهلت غفرانها» (همو، ص ۲۲۴). شاید بتوان گفت در این احادیث کمترین میزان نفقه ذکر شده است؛ زیرا در بعضی از آنها معصوم‌علیه‌السلام فرموده که اگر این مقدار پرداخت نشود، بر امام است که بین زن و مرد جدایی بیندازد^۱ (همو، ص ۲۲۳).

۱- علی‌الامام ان یفرق بینهما.

شاهد دیگر بر این ادعا، روایت دیگری است از حضرت امام صادق علیه السلام که این موارد را در پرسش از آیه شریفه «*من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله...*» بیان نموده‌اند (همو، ص ۲۲۳ و ۲۲۵). بنابر روایت مزبور، مردی که در حالت تنگی و مضیقه مالی به سر می‌برد، لازم است حداقل این مقدار خوراک و پوشاک را برای همسرش فراهم نماید.

اما روایت دیگری از حضرت امام صادق علیه السلام وارد شده که خلاف این ادعا را اثبات می‌کند. از ایشان پرسیدند که اگر مرد بخواهد به شایستگی عمل کند، حق همسرش چیست؟ حضرت فرمود: خوراک و پوشاک او را فراهم کند و اگر نادانی از او سر زد، شوهر او را بیخشد^۱ (همو، ص ۲۲۴). حضرت روایت دیگری با همین مضمون از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل کرده است (همو، ص ۲۲۵). گفته شده این روایات یا حمل می‌شود بر مورد غالب یا بر عادت آن زمان، و اگر چنین چیزی را نپذیریم آنچه از آنها فهمیده می‌شود، این است که ملاک در نفقه، کفایت است (همو، ص ۲۲۶).

در روایت دیگری نیز میزان خوراک و پوشاک از امام صادق علیه السلام پرسش شده، و ایشان برای اقلام خوراک و پوشاک و مسکن مقادیری را ذکر فرموده‌اند (الحر *العالمی*، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۲۶).

با توجه به آیات شریفی که در مورد نفقه آمده است، می‌توان پذیرفت که روایات معصومان علیهم‌السلام اقلام و مقادیر حداقل را ذکر نموده‌اند که کمتر از آن قابل پذیرش نیست. چنان که در مورد آیه شریف «*لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهما سیجعل الله بعد عسر یسراً*» (طلاق، ۶) گفته شده که منظور آن است که در صورت تنگدست بودن شوهر، تکلیف وی آن است که به میزان توان نفقه دهد و بقیه آن، که مقدارش بستگی به کیفیت هزینه مخارج امثال آن زن در عرف خودش دارد، بر ذمه مرد باقی می‌ماند. به همین دلیل در ادامه آیه شریفه آمده است «*سیجعل الله بعد عسر یسراً*» (السیوری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۹).

۲- یسبغها و یکسوها وان جهلت غفرلها.

افزون بر آن در قرآن کریم از ضرر رساندن به زن نهی شده (طلاق، ۶) و چنانچه به اقلام ذکر شده در بعضی روایات بسنده شود، موجب ضرر زن خواهد شد.

صاحب جواهر(ره) در این مورد می‌گوید: آنچه در روایات آمده، بدلیل آیه شریف «عاشروهن بالمعروف» (نساء، ۲۳) انصراف دارند به آنچه در عرف مورد نظر است (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۴۰).

ماهیت نفقه

بحث در مورد ماهیت نفقه از دو جنبه کیفی و کمی قابل بررسی است. از نظر کیفی، توجه بر این است که چه اجناسی نفقه را تشکیل می‌دهند. بیشتر فقها مواردی چون خوراک، پوشاک، مسکن و تحت شرایطی خادم را از اقلام نفقه برشمردند (مکی، ۱۴۱۲هـ ص ۱۷۷؛ الجبعی العاملی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۴۳؛ حلی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۷۰؛ الموسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۶۱). البته این بزرگواران تصریح کرده‌اند که موارد نام‌برده به عنوان ذکر مثال است، و مایحتاج زن بر اساس عرف، زمان و مکان، اقلام نفقه را تعریف می‌کند (همو). در مورد کیفیت اقلام تشکیل‌دهنده نفقه، غالب علما، عرف را ملاک تشخیص دانسته‌اند (همو). بعضی از علما به صراحت، کمیت و کیفیت نفقه را به عهده عرف دانسته‌اند که بر حسب اختلاف زمان و مکان حالات و عرف‌های مختلف، اختلاف فاحشی پیدا می‌کند (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۱۲۵).

موضوع پژوهش کنونی آن است که آیا هزینه دارو و درمان از نظر کیفیت و کمیت داخل در نفقه هست؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی نظرات فقها می‌پردازیم.

نظرات فقها در مورد ماهیت نفقه

در پاسخ به این پرسش که هزینه دارو و درمان داخل در نفقه است یا خیر؟ بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. نظرات ایشان را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد.

۱- بعضی از فقها هزینه دارو و درمان را جزء نفقه نمی‌دانند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶؛ سیوری، ۱۴۰۴هـ ج ۳، ص ۲۸۹).

۲- گروهی از علما، از هزینه دارو و درمان نامی نبرده‌اند (الجبعی العالمی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۴۳؛ محقق، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۷۰). بسیاری از علمای اهل سنت نیز این گونه عمل کرده‌اند (الکاسانی الحنفی، ۱۴۲۰هـ ج ۴، ص ۳۳؛ الجزایری، ۱۴۲۰هـ ج ۴، ص ۴۳۵؛ الزحیلی، ۱۴۱۸هـ ج ۹، ص ۶۵۹۱).

۳- عده‌ای از فقها هزینه دارو و درمان را داخل در نفقه دانسته‌اند، و از نظر کمیت، آن را محدود نکرده‌اند (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۲۸؛ مغنیه، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۱۲۶).

۴- بعضی از فقها با وجود آنکه هزینه دارو و درمان را داخل در نفقه دانسته‌اند، از نظر کمیت، آن را محدود ساخته و گفته‌اند داروهایی که متعارف است و به سبب بیماری‌ها و دردهایی است که بیشتر اشخاص در ماه یا سال به آن مبتلا می‌شوند، و نیاز به آن زیاد است، جزء نفقه محسوب می‌شود ولی ظاهراً دارویی که در معالجات سخت مصرف می‌شود و از باب اتفاق احتیاج به آنها پیش می‌آید، به ویژه اگر به بذل مال زیادی محتاج باشد، جزء نفقه نمی‌باشد (الموسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۶۵).

به نظر می‌رسد گروه چهارم هزینه دارو و درمان را داخل در نفقه دانسته، ملاک تعیین کمیت آن را عرف به حساب آورده‌اند. با توجه به نظرات فقهای عظام درمی‌یابیم که غالب ایشان هزینه دارو و درمان را داخل در نفقه می‌دانند و بعضی به صراحت از آن نام برده‌اند؛ گروه دیگری هم که به صراحت آن را ذکر نکرده‌اند، پذیرفته‌اند که مایحتاج زن از نظر عرف داخل در نفقه است.

افزون بر آن، ایشان مواردی چون خادم، لباس‌های تجملی و آنچه را که در عرف محل سکونت زن معمول است، از اقسام نفقه برشمرده‌اند. بنابراین اختلاف نظری نیست در اینکه عرف تعیین‌کننده ماهیت نفقه است. صاحب جواهر(ره) در این مورد می‌گوید: اگر کلمات فقها را به عادت و عرف احاله دهیم، بهتر است، و شاید علما متعرض مواردی از نفقه شده‌اند که در کتب عامه بوده است. بدیهی است اگر مدار در انفاق، برآوردن همه مایحتاج زن باشد، استثنا کردن دارو، عطر، اجرت حمام و خون گرفتن، وجهی ندارد، و اگر مدار تنها پوشاک، خوراک و مسکن باشد، ذکر فراش و خادم گرفتن موجه نیست. و اگر ملاک در مقدار نفقه، معاشرت به معروف و اطلاق انفاق باشد، وجوب همه موارد بلکه حتی غیر از آنچه ذکر شده، موجه است. بهتر آن است که همه آنها را به عادت در انفاق مردان بر زنان از جهت زوجیت بدانیم، نه از جهت شدت علاقه به مسایل دیگر (النجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۱، ص ۳۳۶).

عرف، تعیین‌کننده ماهیت نفقه

با توجه به ادله فقهی و استنباط فقها از آنها درمی‌یابیم که عرف، تعیین‌کننده ماهیت نفقه است. چرا که هر گاه در شرع واژه‌ای تعریف نشده باشد و حقیقت شرعی هم برای آن وجود نداشته باشد، تعریف آن واژه به عرف واگذار می‌شود. بنابراین، شرع در تعیین محدوده نفقه به عرف تکیه کرده است و هر چه مردم در نفقه لازم می‌دانند از نفقه به حساب می‌آید. اگر هم در بعضی روایات حدودی ذکر شده، منظور بیان چیزی است که در بین مردم معمول بوده است؛ زیرا شارع در بسیاری موارد راجع به چیزی صحبت می‌کند زیرا آن چیز یکی از مصادیق یک کلی است، نه آنکه صفت شرعی آن چیز است. مانند اینکه در روایات آمده است «فلیطعم يوم العيد فضل الطعام» (مغنیه، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۳).

جایگاه فقهی و حقوقی عرف

واژه عرف در اصطلاح فقه، به معنای معروف و عبارت از خیر و رفق و احسان است (المقری القیومی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۴).

در اصطلاح حقوقی، عرف عبارت است از انس ذهن جامعه یا گروه خاص به امری که مربوط به روابط حقوقی است (شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰). در تعریفی دیگر، عرف، قاعده‌ای که به تدریج و خود به خود میان همه مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده، تعریف شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۷۷). همچنین در تعریف عرف گفته شده که هر چیزی است که مردم بدان عادت کرده و با آن آشنایی داشته باشند و بر وفق آن رفتار کنند، خواه گفتار باشد یا کردار یا ترک چیزی (فیض، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴). یکی از مواردی که عرف به کمک فقیه می‌آید، احکامی است که به موضوعات عرفی ارجاع داده است. در تشخیص بعضی مفاهیم که قانونگذاری اسلام، تعیین آن را به عهده عرف گذاشته است، شناخت عرف، برای فقیه اهمیت بسزایی را کسب می‌کند، تا در تحدید آن مفاهیم، دچار لغزش و اشتباه نشود (ممو، ص ۲۳۶). منظور فقها از الفاظ عرف و متعارف در مورد نفقه، همان عمل خوب و پسندیده‌ای است که رسم زنان هم‌شأن است و با اختلاف اوضاع و شرایط از جمله زمان و مکان مختلف می‌شود (میرشمسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷). عادت نیز به معنای خوی گرفتن به کاری است، بنابراین هر گاه زنی به خوردن، پوشیدن یا داشتن چیزی عادت داشته باشد، به طوری که ترک آن موجب ضرر به او باشد، آن چیز به رسم عادت، از موارد نفقه او خواهد بود، مانند نوشیدن چای و قهوه (ممو). تحول شیوه زندگی، هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چارچوب معینی محصور کرد، و ناچار باید داوری را به عهده عرف گذاشت. از این رو در فقه اسلام کلیات بسیاری وجود دارند که در پرتو عرف و قدرت انطباق با آن کلیات، می‌توانیم بر بسیاری از مشکلات زمان خود پیروز شویم و پاسخ همه نیازهای جامعه خود را بیابیم (فیض، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸).

نفقه و هزینه دارو و درمان

بنابر آنچه بیان شد، از آنجا که مرجع مشخص‌کننده نفقه عرف است، شک نیست که همه آنچه مورد نیاز زن است، از نظر عرف، جزو نفقه شمرده می‌شود، و نیاز به دارو و پزشک بیش از نیاز به خوراک و پوشاک و خادم گرفتن و لوازم آرایش است. پس در جایی که آنها واجب باشند، به طریق اولی هزینه دارو و درمان هم واجب است (مغنیه، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۲۴). زیرا اهل عرف مردی را که قادر است، در صورت سهل‌انگاری در درمان همسر مورد مذمت قرار می‌دهند. همچنان که اگر با فرزندش چنین کند، مورد نکوهش قرار می‌دهند (همو، ۱۳۱۷، ص ۳۹۳).

افزون بر آن نجات کسی که جانش در خطر است، بر همه مسلمانان واجب است. حال اگر همسر کسی به بیماری سختی دچار شده باشد، چه کسی برای نجات او از شوهرش به او نزدیک‌تر و سزاوارتر است (میرشمسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹). تعاون و همکاری بین مسلمانان که از دستورات و امور مورد توجه اسلام^۱ است، نیز اقتضا می‌کند که مرد به یاری همسر بیمار خویش بشتابد. این مهم با توجه به دستورات قرآن کریم نیز، روشن می‌شود؛ در قرآن کریم و آیاتی که امور زنان را بیان می‌کند، هفده بار کلمه معروف به کار رفته است و چهارده بار مردان به رفتار و سلوک متعارف با زنان توصیه شده‌اند. معاشرت به معروف و انفاق به نحو متعارف، مفهومی گسترده دارد، که شامل تمام مایحتاج همسر برای زندگی و بقای حیات می‌شود (همو، ص ۱۲۰).

یافته‌های پژوهش

با توجه به ادله فقهی، و بررسی آیات و روایات مربوط به نفقه، نتایج زیر حاصل شد:

۱- از جمله در: مائده، ۲.

- ۱- ملاک تشخیص در ماهیت نفقه، عرف و عادت است که در زمانها و شرایط متفاوت، قابل تغییر است و مواردی که در بعضی آیات و روایات ذکر شده، از باب مثال یا اشاره به مورد غالب می‌باشد.
- ۲- با توجه به عرف، هزینه دارو و درمان از مایحتاج ضروری افراد است، بنابراین جزو نفقه محسوب می‌شود.
- ۳- بنای عقلا نیز بر این است که فردی که نفقه را می‌پردازد، باید هزینه دارو و درمان را نیز بپردازد، و در غیر این صورت مورد نکوهش قرار می‌گیرد.
- ۴- نجات جان افراد از امور واجب بر هر فرد است؛ در این مورد چه کسی سزاوارتر از همسر یا خویشاوندان نزدیک است؟
- ۵- اصل تعاون و همکاری بین افراد که از دستورات مورد تأکید شرع مقدس است، اقتضا می‌کند که نفقه‌دهنده، هزینه دارو و درمان نفقه‌گیرنده را بپردازد.
- ۶- از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که هزینه دارو و درمان جزو نفقه می‌باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- ✓ **القرآن الکریم**
- ✓ ابن منظور، **لسان العرب**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ
- ✓ الجبعی العاملی، زین الدین، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶هـ
- ✓ همو، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة**، بیروت، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۳
- ✓ الجزایری، عبدالرحمن، **الفقه علی المذاهب الاربعه**، بیروت، دارالفکر، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰هـ
- ✓ جعفری لنگرودی، جعفر، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، گنج دانش، چاپ نهم، ۱۳۷۷
- ✓ الحرالعاملی، محمد، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۷
- ✓ حسینی سیستانی، علی، **منهاج الصالحین**، بیروت، دارالمورخ العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷هـ
- ✓ الحلی، جعفر، **شرایع الاسلام**، تهران، استقلال، چاپ سوم، ۱۴۱۲هـ
- ✓ الحلی، محمد، **ایضاع الفوائد**، اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۹هـ
- ✓ الزحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی وادلتہ**، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۸هـ
- ✓ السیوری، فاضل مقداد، **کنزالعرفان فی فقه القرآن**، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۵هـ
- ✓ همو، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴هـ
- ✓ شهیدی، مهدی، **اصول قراردادهما و تعهدات**، تهران، مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۳

- ✓ طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، محمدی، بی تا
- ✓ الطوسی، محمد، *المبسوط*، المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا
- ✓ فیض، علیرضا، *مبایذ فقه و اصول*، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۲
- ✓ الکاسانی، مسعود، *بدائع الصنائع*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰هـ
- ✓ کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران، انتشارات، چاپ چهل و هفتم، ۱۳۸۵
- ✓ گرجی، ابوالقاسم، *آیات الاحکام*، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ✓ مسعود، جبران، *الرائد*، ترجمه رضا انزایی نژاد، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ✓ مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱
- ✓ مغنیه، محمد جواد، *فقه الامام جعفر الصادق*، قم، قدس محمدی، بی تا
- ✓ همو، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، تهران، مؤسسه الصادق للطباعه و النشر، الطبعة الرابعة، ۱۳۷۷هـ
- ✓ المقرئ الفیومی، احمد، *المصباح المنیر و غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بی تا، دارالفکر، بی تا
- ✓ مکی عاملی، محمد، *اللمعه الدمشقیه*، قم، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۲هـ
- ✓ الموسوی الخمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هجدهم، ۱۳۷۹
- ✓ موسوی خویی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم، مهر، ۱۴۱۰هـ
- ✓ میرشمسی، فاطمه، *مبانی حقوق و تکالیف زن در ازدواج از دیدگاه فقه امامیه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۰
- ✓ النجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷